



سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۳۹۱

صص ۸۲ - ۵۹

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: شهر شهرکرد)

علی حسین حسین زاده^۱، حمید فدائی ده چشمه^۲

چکیده

اهمیت و ضرورت روی آوردن به مشارکت و توسعه مشارکتی در اندیشه‌ها و نظریه‌ها، همچنین در تلاش‌های سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و ملی، بویژه در جهان سوم بازتاب دارد به طوری که می‌توان آن را در حوزه مسائل شهری و مدیریت شهری مورد توجه قرار داد. این مطالعه با هدف شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری به شیوه پیمایشی و با ابزار پرسشنامه، با جامعه آماری ۴۰۰ نفر از افراد ۱۸ تا ۶۵ ساله در شهر شهرکرد صورت گرفت. روایی ابزار سنجش از نوع صوری بود. برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و از آنجا که این ضریب بالاتر از ۰/۷ بود، بنابراین پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار بود، نتایج حاکی از آن بود که مؤلفه‌های رضایت شهروندان ($r=0/37$)، سیاست‌های انگیزشی ($r=0/26$)، اعتماد اجتماعی ($r=0/41$) و نوع فعالیت شهرداری ($r=0/47$)، رابطه معناداری با مشارکت مردم داشته و از بین متغیرهای زمینه‌ای فقط بین سن و رضایت شهروندان همبستگی وجود داشت. مطابق یافته‌های پژوهش وضعیت کلی مشارکت شهروندان در حد متوسط رو به پایین بوده و این امر بیشتر ناشی از سطح پایین بعد عینی مشارکت شهروندان در زندگی شهری است.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، شهروند، مدیریت شهری، شهرداری.

مقدمه

مشارکت به مفهوم عام آن از دیرباز با زندگی انسان پیوند داشته، اما در معنای تخصصی و جدید، پدیده نوینی به شمار می‌رود که از نیمه دوم قرن بیستم و بویژه پس از جنگ جهانی دوم در حوزه علوم اجتماعی وارد شده است. این نوع مشارکت در برخی کشورهای صنعتی جهان ابتدا در عرصه صنعت و اقتصاد به منظور سهیم کردن مردم در مالکیت مطرح شد، اما به تدریج به دیگر حوزه‌های زندگی اجتماعی نیز راه یافت؛ به گونه‌ای که امروزه سخن از شرایطی است که مردم در تعیین سرنوشت خود و جامعه دخالت آگاهانه و واقعی داشته باشند (شیانی، ۱۳۸۴: ۱۱۴). مشارکت را می‌توان فرایند توانمند سازی محرومان و طرد شدگان تلقی کرد. این نظر مبتنی بر شناسایی تفاوت‌های گروه‌ها و طبقات اجتماعی گوناگون، از نظر قدرت سیاسی و اقتصادی است (قای و وستندورف^۱، ۱۹۹۴: ۱۵).

افزایش جمعیت و شهرنشینی به عنوان پدیده‌ای فراگیر در یکصد سال اخیر، هم کشورهای صنعتی و هم کشورهای در حال توسعه را در بر گرفته است، بطوری که بسیاری از جوامع معاصر، دارای شهرهای پر جمعیت چند میلیونی هستند. پیش از سال ۱۹۰۰ میلادی رشد شهرنشینی، مربوط به کشورهای غربی بود اما از ابتدای قرن بیستم، دامنه شهرنشینی به کشورهای در حال توسعه نیز کشیده شد و در دهه‌های اخیر جمعیت شهرنشین اغلب کشورهای در حال توسعه بیش از جمعیت روستائین آنهاست.

مشارکت فرایندی است که از رهگذر آن افراد ذی‌ربط بر ابتکارهای توسعه و تصمیم‌ها و منابعی که نقش تعیین‌کننده در آنها دارند تأثیری گذارند (بانک جهانی^۲، ۱۹۹۴: ۷). مشارکت به عنوان یک فرآیند اجتماعی در قالب دو گرایش عام و خاص قابل بررسی است که گرایش عام را مشارکت سستی و گرایش خاص را مشارکت مدرن می‌نامند. از جدیدترین اسلوب‌ها و زمینه‌های مشارکتی، مشارکت شهروندان در مدیریت شهری برای اداره شهرهاست؛ این مشارکت یکی از الزامات زندگی اجتماعی مدرن است و هنگامی

1 Ghai and Westendorff

2 World Bank, 1994

تحقق می‌یابد که شهرنشینان از شرایط فردگرایی و انزوای اجتماعی خارج و از طریق حقوق شهروندی از حالت فردیت به طریق شهروندگرایی و جمعیت تغییر هویت دهند. (طهماسبی، ۱۳۸۰: ۱۲۶).

بیان مسأله

رشد بی‌رویه توسعه شهرنشینی در عصر امروز بویژه افزایش جمعیت در شهرهای کشور از جمله شهر شهرکرد، مسائل و مشکلات بسیاری را بر جای گذاشته است که حل آنها از توان مدیریت سنتی خارج است و مشارکت کلیه شهروندان را در اداره امور شهری طلب می‌کند و هر دو یعنی؛ مدیریت شهری و شهروندان قدرتمندتر می‌شوند و با هم نیز تضعیف می‌گردند. شهروندی به مثابه فرایندی اجتماعی و سیاسی از قرن نوزدهم در جوامع مدنی به صورت تعامل جدی بین دولت و ملت مطرح و به طور همزمان با مسأله عضویت در دولت - ملت‌ها از مباحث مهم اجتماعی و سیاسی شده است (عاملی ۱۳۸۰: ۴۶).

شهر شهرکرد نیز از جمله شهرهایی است که هر ساله بر تعداد جمعیت آن افزوده می‌شود به گونه‌ای که طبق آمارهای سازمان برنامه ریزی در سال ۱۳۹۰ جمعیت شهر شهرکرد نزدیک ۱۵۹۸۳۶ نفر بوده است. رشد شتابناک جمعیت شهری شهرکرد هشدار می‌دهد که در زمینه احتمال بروز مشکلات مختص شهرهای بزرگ، انواع نابهنجاری‌های اجتماعی که در شهرهای بزرگ امکان وقوع دارد، ضمن آنکه ارائه خدمات به چنین جمعیتی به آسانی از عهده یک سازمان و آن هم به صورت یک طرفه بر نمی‌آید. جلب مشارکت شهروندان در اداره شهر از نظر اجتماعی باعث افزایش همکاری‌های اجتماعی می‌شود که پایه‌های جامعه مدنی را تقویت می‌کند. از طرف دیگر عدم مشارکت شهروندان در اداره امور شهر نیز پیامدهای منفی هم برای مدیریت شهری و هم برای ساکنان شهر ایجاد خواهد کرد که از جمله می‌توان به افزایش محدودیت‌ها و مشکلات مدیریت شهری به دلیل افزایش هزینه‌ها و صرف انرژی زیاد و کاهش علقه عاطفی شهروندان به محل زندگی خود اشاره کرد. در جامعه ما ایران نیاز به مشارکت بیش از پیش

احساس می‌شود، چرا که افزایش جمعیت و شهرنشینی به عنوان پدیده‌ای فراگیر در یک صد سال اخیر هم کشورهای صنعتی و هم کشورهای در حال توسعه را با چالش‌های جدیدی روبرو ساخته است.

برای حل این معضلات توجه به مشارکت به عنوان یک نظام کارکردی در سطح کلان، میانی و خرد با کارکردهای افزایش ثبات اجتماعی، تقویت روحیه همبستگی و کاهش تعارضات گروهی، از بین بردن فرهنگ حاشیه‌نشینی، شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت، بسط ارزش‌های دموکراتیک سهیم شده در منابع قدرت و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری همراه است (وحیدا و نیازی، ۱۳۸۳: ۱۲۰). مشارکت شهروندان در امور شهری باعث افزایش درک و آگاهی شهروندان از مسائل مربوط به آنها و نیاز متقابل به یکدیگر می‌شود، به ایجاد جامعه بهتر کمک می‌کند و توانایی‌های یک جامعه را برای هماهنگ کردن کنش‌های افراد به منظور توسعه و بهبود کالاهای جمعی ارزشمند تقویت و حکومت‌گری بهتری ایجاد می‌کند و فرصت‌های تدوین سیاست‌های هوشمندانه را افزایش می‌دهد (ساروخانی و امیرپناهی، ۱۳۸۵: ۱۳۳). به نظر حال تعارض بین دیدگاه‌های عملگرایانه و دیدگاه‌های عمدتاً فلسفی از مشارکت موجب شده که مفهوم مشارکت تبدیل به یک مفهوم چندوجهی شود و در طی زمان با معانی متفاوتی هویدا شود (هال و میدگلو^۱، ۱۹۸۸: ۱۴).

از طرفی این امکان را برای شهروندان فراهم می‌کند که خصوصیات فردی خود همچون اعتماد به نفس، احساس قدرت، دانش، توانایی حل مشکلات را در درون خود تقویت کنند. با گسترش روابط خود با سازمان و شرکت‌ها در برنامه ریزی‌ها به توسعه سازمانی و با بحث در مورد منافع مشترک خود، جامعه و حل اختلافات به توسعه اجتماعی کمک کنند که به تبع این امر باعث رشد و پیشرفت جامعه در حالت کلی می‌شود (بام^۲، ۲۰۰۴: ۱۸۴۳).

1 Hall and James midgloy

2 Baum

شفر و رو^۱ معتقدند مشارکتی که با حفظ ساختارهای اجتماعی و فرآیند بقای سیستم و توزیع قدرت سرو کار دارد با فرآیند تحول سیستم در ارتباط است (۱۹۸۸:۲۳). این پژوهش بر آن است که میزان مشارکت مردم و عوامل مؤثر بر مشارکت آنان را در حیطه وظایف مدیریت شهری و مهمترین نهاد آن، یعنی شهرداری مورد بررسی قرار دهد. همچنین با توجه به گستردگی حوزه وظایف شهرداری و عدم آشنایی شهروندان با این وظایف، رایج‌ترین شیوه‌های مشارکت مردم با سازمانی نظیر شهرداری مورد بررسی قرار گیرد.

از آنجا که حوزه‌های مشارکت مردم با شهرداری شامل خدمات شهری، محیط زیست، تأمین ایمنی شهر، فعالیت‌های نظارتی شهرداری، فعالیت‌های مربوط به رفاه اجتماعی و فعالیت‌های عمرانی شهرداری است از بعضی حوزه‌ها چندین فعالیت که برای شهروندان در شهرکرد ملموس‌تر و شناخته شده ترمی باشد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با توجه به مسأله بیان شده سوال اصلی که تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی بدان است این است که عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری شهرکرد کدامند و بر این اساس اهدافی را که تحقیق حاضر دنبال می‌کند، می‌توان شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری شهرکرد و تبیین الگوی رضایت مندی شهروندان از خدمات‌رسانی شهرداری دانست.

پیشینه تحقیق

در بررسی یزدان پناه (۱۳۸۲) که با عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی انجام شده است، هدف از پژوهش شناخت بسترها و زمینه‌های مناسب و امکانات و شرایط لازم برای بدست آوردن هر چه بیشتر مشارکت اجتماعی در ابعاد مختلف بوده است. این پژوهش با روش پیمایشی انجام شده است و جامعه آماری آن را شهروندان ۱۸ سال و بالاتر ساکن در منطقه ۲۲ گانه تهران تشکیل داده‌اند. نظریه کنش اجتماعی پارسونز به عنوان چارچوب

نظری اصل تعیین گردیده و مشخص شد که عوامل خانوادگی، یادگیری، برقراری رابطه با دیگران و مشارکت اعضای خانواده در فعالیتهای اجتماعی نقش قابل ملاحظه‌ای در میزان مشارکت اجتماعی افراد مورد بررسی داشته است (۱۳۸۲: ۸۸).

مک فارلند و توماس تحقیقی انجام دادند که نشان می‌دهد سازمان‌های داوطلبانه جوانان بر مشارکت آنها در آینده تأثیر دارد. از نظر آنها مشارکت معمولاً با متغیرهای درونی مشخص می‌شود؛ یعنی درون خانواده‌ها بازتولید می‌شود. به طبقه اجتماعی بسیار بستگی دارد و معمولاً تا سن بزرگسالی پایدار است، به طور خاص شرکت در سازمان‌های داوطلبانه جوانان که شامل فعالیت‌هایی مانند خدمات اجتماعی، نمایندگی، صحبت در بحث‌های عمومی و ایجاد‌کننده هویت گروهی بیشتر است، مشارکت بعدی را تشویق می‌کند (ساجدی، ۱۳۹۱: ۴۸).

شادی طلب (۱۳۸۱) در گزارش خود از طرح پژوهش مشارکت زنان که در مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران انجام شده است به این مطلب اشاره می‌نماید که کنترل شهروندی عالی‌ترین سطح و نوع مشارکت است؛ در این گونه مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌هایی که در زندگی روزانه آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، دخالت می‌کنند (هاردین^۱، ۱۹۸۸: ۱۳). مساله این پژوهش شناخت متغیرهایی بوده است که موفقیت مردم را کنترل امور جامعه تضمین می‌کند. به دنبال شناخت انواع مشارکت اجتماعی زنان و عوامل مرتبط با آن در شهر تهران بود که در مجموع شش نوع مشارکت، مدنی، حمایتی، فرهنگی - تفریحی، محلی مذهبی، خیریه‌ای و شرکت در فعالیتهای انقلابی را مشخص کرد که در این بین مشارکت مدنی پایین‌ترین میانگین را داشت و مشارکت مذهبی و خیریه‌ای بالاتر از دیگر انواع مشارکت بودند و به طور کلی میزان مشارکت اجتماعی زنان شهر تهران در سطح پایینی قرار داشت (شادی طلب، ۱۳۸۱: ۷۷).

باستانی و صالحی هیکویی (۱۳۸۶) در تحقیقی به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که از بین ویژگی‌های

ساختاری شبکه، اندازه شبکه مهم است. افرادی که شبکه بزرگتری دارند اعتماد بیشتری نیز به اعضای شبکه خود دارند، اما اندازه شبکه تنها از طریق مبادله حمایت با اعضا می‌تواند به افزایش اعتماد منجر شود. اندازه تماس نیز از راه ساز و کارهای حمایتی با اعتماد بین شخصی رابطه دارد، اما صمیمیت در پیوند در اعتماد متقابل مهمترین عامل بوده است. سن، وضعیت تأهل و جنسیت از طریق حمایت و صمیمیت به طور غیر مستقیم بر میزان اعتماد موثر بوده‌اند. نویسندگان در نهایت به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های شبکه بیشتر از ویژگی‌های فردی و اعتماد بین شخصی افراد موثر است (ص: ۶۳-۹۵).

اصغر پور ماسوله (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان راهکارهای افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان در شهر مشهد نشان می‌دهد که میانگین میزان عمل مشارکتی مردم در طیف صفر تا ۱۰۰، برابر ۵۳ بوده است. با توجه به پیامدهای منفی و مثبت مشارکت یا عدم مشارکت شهروندان در اداره امور شهر باید دید با چه ترفندها و محرک‌هایی می‌توان ساکنان یک شهر را برای مشارکت در امور عمومی شهرشان برانگیخت تا ضمن کاهش پیامدهای منفی عدم مشارکت آنان، به بهبود شرایط زندگی شهری هم برای شهروندان و هم برای سازمان‌های مرتبط با آنان دست یافت. در این پژوهش محقق بر آن است که میزان مشارکت مردم و عوامل موثر بر مشارکت آنان را در حیطه وظایف مدیریت شهری و مهمترین نهاد آن، یعنی شهرداری مورد بررسی قرار دهد؛ همچنین با توجه به گستردگی حوزه وظایف شهرداری و عدم آشنایی شهروندان با این وظایف، رایج‌ترین شیوه‌های مشارکت مردم با سازمانی نظیر شهرداری مورد بررسی قرار می‌گیرد (ص: ۲۵-۴۰).

دوچرتی^۱ و همکاران (۲۰۰۱) در تحقیقی با عنوان فرهنگ مدنی، جامعه و مشارکت شهروندان در محله‌های متضاد به این نتیجه رسیدند که فرهنگ مدنی، نهاد سیاسی، سیاست‌های عمومی و آموزش در مشارکت شهروندان مؤثر هستند (ص: ۲۳۰).

در جمع‌بندی مطالعات صورت گرفته در در زمینه مشارکت شهروندان می‌توان بیان داشت که مشارکت و کنترل شهروندی عالی‌ترین سطح است و مردم در زندگی روزانه

مشارکت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین نگرش شهروندان از مشارکت مبتنی بر کمک فکری و ارائه پیشنهاد بوده است. مشارکت خود عوامل گوناگون و انواعی دارد که محققان هرکدام از آنها را (از جمله مشارکت شهری، مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، تفریحی و غیره) مورد بررسی قرار داده‌اند و همچنین به مقایسه مشارکت پرداخته‌اند که نتایج بدست آمده تحقیقات مشخص است.

مبانی نظری تحقیق

در مورد معنای اصطلاحی مفهوم مشارکت بحث‌های فراوانی وجود دارد، ولی در مجموع می‌توان جوهره اصلی آن را درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست. با پذیرش این جوهره برخی از صاحب نظران مدیریت، مشارکت را درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی برشمرده که برای دستیابی به اهداف گروهی برانگیخته شده و در مسوولیت کار شریک می‌شوند (فیلد^۱، ۲۰۰۳: ۱۳۸). در این تعریف سه جزء مهم وجود دارد که عبارتند از درگیر شدن، یاری دادن و مسوولیت (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۵۲). به اعتقاد هانتینگتون و نلسون مشارکت سیاسی و اجتماعی تابعی از فرآیند توسعه اقتصادی- اجتماعی بوده که از دو طریق بر گسترش مشارکت اثر می‌گذارد. نخست از طریق تحرک اجتماعی است که کسب منزلت‌های بالاتر اجتماعی، احساس توانایی را در فرد تقویت می‌کند و نگرش را نسبت به توانایی‌های او در تأثیر نهادن بر تصمیم‌گیری‌ها مساعد می‌سازد. این نگرش، زمینه مشارکت در سیاست و فعالیت‌های اجتماعی را تقویت می‌کند.

در این حالت، منزلت اجتماعی نهایتاً از طریق اثری که بر احساس توانایی و یا نگرش بی قدرتی می‌گذارد، بر مشارکت موثر می‌افتد (نمودار ۱). در این میان، متغیر سواد بیش از دیگر متغیرهای منزلتی بر مشارکت اثر دارد.

افزایش مشارکت اجتماعی → احساس توانایی → منزلت اجتماعی بالاتر

نمودار (۱) مدل مشارکت سیاسی و اجتماعی هانتینگتون و نلسون

فرآیند توسعه همچنین از طریق سازمانی نیز بر مشارکت اثر می‌گذارد؛ عضویت فرد در گروه‌ها و سازمان‌ها (اتحادیه‌های شغلی و صنفی، گروه‌های مدافع، علائق خاص و...) احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند (نمودار ۲). این عامل در جوامعی که فرصت‌های تحرک فردی در آنها محدودتر است، اهمیت بیشتری دارد (به نقل از رضایی، ۱۳۷۵: ۲۴-۲۵).



نمودار (۲) مدل تاثیرگذاری توسعه بر مشارکت شهروندی از طریق سازمانی

از نظر اوکلی مشارکت با استفاده از کمک داوطلبانه اجتماعی و بهره‌گیری از منابع داخلی جهت تحقق توسعه و کاهش هزینه‌های آن مشخص می‌شود. همچنین مشارکت اجتماعی از طریق سازماندهی گروه‌ها، سرمایه اجتماعی و عمومی جامعه را گسترش می‌دهد. علاوه بر آن مشارکت وسیله است که گروه‌های فرعی و حاشیه‌ای را قدرتمند ساخته و به کمک آن، منابع و خدمات دولتی را توسعه می‌دهد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۵: ۱۰۸).

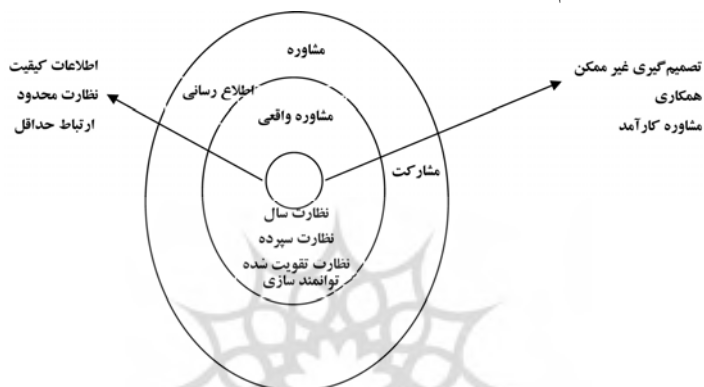
هومنز مشارکت را در قالب نظریه مبادله مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. در نظریه وی آنچه موجب بروز یک رفتار می‌شود و پایداری آن را سبب می‌گردد، پاداش حاصل از انجام آن است (ریتزر، ۲۰۱۱: ۴۲۹).

به نظر گولت انواع مختلفی از مشارکت بر حسب زمان وقوع به معنای لحظه تشخیص مسأله، انتخاب و گزینش روند اجرایی ممکن وجود دارد که در نهایت نوعی ترتیب و توالی الگوبندی شده‌ای که منجر به عمل نهایی می‌شود قابل تمیز است. در هر نقطه‌ای از این توالی، امکان ورود توده‌های مردم عادی و غیر ماهر وجود دارد که در پویایی این روند سهیم می‌شوند. از نظر وی، کیفیت مشارکت به نقطه آغازین ورود به آن بستگی دارد. بنابراین اگر در پی قضاوت در مورد اینکه آیا مشارکت، اختیار و قدرت دهی اصیل به توده‌هاست یا صرفاً نوعی کنترل و دستکاری آنهاست، باشیم، باید توالی مراحل شروع مشارکت را مورد توجه قرار دهیم.

علاوه بر این، به لحاظ گونه‌شناسی مشارکت، (بر حسب هدف یا ابزار بودن)، دو نوع رهیافت کلی وجود دارد. مشارکت در سازمان‌های اجتماعی یا سیاسی صرفاً وسیله‌ای برای تحقق اهداف دیگر (معمولاً علائق جزئی فردی) در نظر گرفته می‌شود و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، فی نفسه هدف محسوب می‌گردد و از طریق آن، توانایی‌ها و خلاقیت انسان به عنوان موجود عقلانی و ارتباط جو نمود می‌یابد. در این نگاه، مشارکت در سیاست و در فعالیت سازمان‌های اجتماعی وظیفه شهروند فعال بوده و نه صرفاً وسیله‌ای برای تامین نیازها و منافع شخصی یا کسب فایده چرا که فعالیت اجتماعی و سیاسی فی نفسه فضیلت است (گولت، ۱۹۹۵: ۹۶).

از نظر گای مشارکت ممکن است در قالب تمرکززدایی از ماشین حکومتی یا سازمان‌های دولتی تعبیر شود که در طی آن منابع تصمیم‌گیری به سازمان‌هایی در سطوح پایین‌تر همچون مقامات محلی، کمیته‌های محلی و یا شوراهای روستایی انتقال یابند. هرچند که این فرآیند، امکان تصمیم‌گیری محلی را برای انتخاب، طراحی و اجرای فعالیت‌های توسعه‌ای فراهم می‌کند، ولی به معنای مشارکت واقعی از طرف توده‌های روستایی یا شهری نیست (گای، ۱۹۹۰: ۲۱۷).

دیوید و سون در این گردونه به دنبال سطح مناسبی از مشارکت هستند و در این چرخه تصمیم‌گیری، مشارکت گردونه مشارکت دیوید و سون (نمودار ۳) در سال ۱۹۸۸ به منظور چگونگی مشارکت شهروندان ارائه شد و ارتباط متقابل میان شهروندان و تصمیم‌گیران شکل گرفته و هر یک از ابعاد مشاوره، اطلاع‌رسانی، توانمندسازی و مشارکت، مبتنی بر ارتباط شهروندان و تصمیم‌گیران است (هال و میدگلو، ۱۹۸۸: ۱۵-۱۹).



نمودار ۳- گردونه مشارکت دیوید و سون

پوتر و توماس بر توجه به عوامل ساختاری و نیز عامل فعال انسانی در پویای توسعه و مشارکت تأکید ورزیدند. از نظر آنان تأکید بر یک عامل در روند توسعه تصویر ناقصی از آن ارائه می‌دهد و هر یک از عوامل ساختاری و عامل فعال انسانی (کارگزاران) به گونه خاصی به عنوان عناصر تعیین‌کننده توسعه به شمار می‌روند. پارادیم ترکیبی که به لحاظ زمانی نسبت به دو رویکرد مطرح شده امروزی‌تر است، در خصوص موضوع مشارکت از ویژگی‌های زیر برخوردار است.

- ۱- شکل‌گیری آن مبتنی بر نقد رویکردهای نظری قبل از خود بوده است.
- ۲- تلاش می‌شود از تقلیل‌گرایی مطرح در رویکردهای قبلی تا حد امکان اجتناب نماید.
- ۳- از تجارب و پیامدهای مثبت و منفی اجرای برنامه‌های توسعه‌ای در کشورهای در حال توسعه بی‌بهره نیست.
- ۴- تقریباً از پشتوانه نظری رویکردهای قبلی و مطالعات تجربی صورت گرفته در کشورهای مختلف نیز برخوردار شده است.

۵- خاستگاه نظریه پردازان آن نظریه پردازان جهان سومی است که از پیوند و ارتباط با مسائل این کشورها و آشنایی با ساختارهای مربوط به آنها بی بهره نبوده‌اند (پوتر و توماس^۱، ۱۹۹۲: ۱۲۳).

در یک ارزیابی کلی از نظریه‌ها و دیدگاه‌ها در مورد شهروندان و مشارکت شهروندی، می‌توان گفت که هر یک از نظریه‌های یاد شده کمک شایانی به شناسایی متغیرها و تدوین ابزار سنجش تحقیق کرده‌اند. با توجه به مباحث نظری طرح شده و نتایج تحقیقات پیشین، در این تحقیق فرض شده که مشارکت شهروندان در امور شهر از متغیرهای رضایت شهروندان از خدمات رسانی شهرداری، سیاست‌های انگیزشی شهرداری، اعتماد اجتماعی مردم، عملکرد شهرداری و متغیرهای فردی (جنس، سن، تحصیلات و سطح درآمد) تاثیر می‌پذیرد.

روش پژوهش

این پژوهش مبتنی بر روش پیمایش بوده و شاخص‌ها و سوالات بر اساس موضوع و اهداف و فرضیه‌ها مطرح شده است. به منظور شناخت ابزار سنجش در این پژوهش آزمون مقدماتی انجام شد. پرسشنامه طراحی شده بین ۳۰ نفر از جامعه آماری توزیع و پس از ارزیابی پایانی و بررسی گویه‌های آن، پرسشنامه نهایی با استفاده از طیف ۵ بخشی لیکرت تدوین شد. متغیرهای تحقیق برای تحلیل بیشتر در پنج دسته طبقه بندی شدند، این متغیرها عبارتند از:

- رضایت شهروندی با شاخص‌های بهداشت محیط شهری، زیباسازی محیط شهری، فعالیت‌های عمرانی، تسهیلات، امکانات ارائه شده، رفاه اجتماعی و با ۶ سوال مورد سنجش قرار گرفت.

- سیاست‌های انگیزشی با شاخص‌های تشویق شهرداری در زمینه عمران امور شهر، جلسه پیرامون امور شهر، تقدیر از شهروندان برتر، جریمه مالی شهروندان، مدیریت شهری و با ۴ سوال مورد سنجش قرار گرفت.

- اعتماد اجتماعی با شاخص‌های اعتماد مردم از انجام طرح‌ها و پرونده‌های شهری، اعتماد مردم نسبت به هزینه کردن عوارض شهرداری، اعتماد مردم نسبت به قول و قرار مسؤلان، اعتماد مردم نسبت به برقراری ارتباط قوی مسؤلان با مردم، اعتماد مردم نسبت به هدف‌های مسؤلان شهری برای برنامه‌ها، و اعتماد مردم به برنامه ریزان شهری که با ۶ سوال مورد سنجش قرار گرفت.

- عملکرد شهرداری که با شاخص‌های فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، تامین ایمنی شهروندان، طرح استقبال بهار و جلسات و آموزش مردم که با ۶ سوال مورد سنجش قرار گرفت.

- شاخص‌های مشارکت شهروندان با شاخص‌های افزایش روابط اخلاقی - سنتی، منافع مشترک، احساس بی قدرتی، توانمندسازی شهروندان، مدیریت شهری، برنامه ریزی شهری، فعالیت‌های شهری، منافع شخصی، کار شراکتی و جمعی، مشارکت مستقیم و غیر مستقیم، شرکت در انتخابات محله، مشکلات محلی و مدیریت کردن فعالیت‌ها و با ۱۵ سوال مورد سنجش قرار گرفت.

جامعه آماری این پژوهش را شهروندان ۱۸ تا ۶۵ سال شهر شهرکرد در سال ۱۳۹۰ (که برابر با ۱۵۹۸۳۶) نفر بودند، تشکیل می‌داد که از بین آنها، از طریق نمونه‌گیری در دسترس، ۴۰۰ نفر از آنها به عنوان نمونه انتخاب شدند اعتبار ابزار پژوهش (پرسشنامه) اعتبار محتوایی (اعتبار صوری) است. برای محاسبه قابلیت اعتماد یا پایایی پرسشنامه از تکنیک هماهنگی درونی گویه‌ها و از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول شماره (۱): محاسبه ضرایب اعتماد برای ابعاد فرعی پرسشنامه

متغیر	ضریب پایایی
رضایت شهروندی	۰/۷۸
سیاست انگیزشی	۰/۷۴
اعتماد اجتماعی	۰/۸۶
مشارکت شهروندان	۰/۸۸
عملکرد شهرداری	۰/۸۱

یافته‌های پژوهش

توزیع فراوانی متغیرهای زمینه‌ای تحقیق در جدول شماره (۲) آورده شده است.

جدول شماره (۲): توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب برخی متغیرهای زمینه‌ای

درصد	فراوانی	متغیر
۴۲	۱۶۸	زن
۵۸	۲۳۲	مرد
۱/۸	۷	زیر ۲۰ سال
۱۶	۶۴	بین ۲۰ تا ۳۰ سال
۲۷	۱۰۸	۳۰ تا ۴۰ سال
۲۰/۳	۸۱	۴۰ تا ۵۰ سال
۳۵	۱۴۰	۵۰ به بالا
۲	۸	ابتدایی
۹/۲۵	۳۷	راهنمایی
۴۵/۳	۱۸۱	دیپلم و فوق دیپلم
۳۶	۱۴۴	لیسانس
۷/۵	۳۰	فوق لیسانس و بالاتر
۸/۳	۳۳	بیکار
۲۴/۳	۹۷	شاغل دولتی
۲۲/۵	۹۰	شاغل خصوصی
۴۱/۸	۱۶۷	آزاد
۳/۳	۱۳	بازنشسته
۲۹/۵	۱۱۸	۲۵۰ هزار تومان
۸/۵	۳۴	۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان
۳۲	۱۲۸	۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان
۱۶/۸	۶۷	۷۰۰ تا ۱ میلیون
۱۳/۳	۵۳	۱ میلیون به بالا

همانگونه که در جدول شماره (۳) ملاحظه می‌شود، از نظر میزان مشارکت، مردان فراوانی بیشتری (۵۸٪) و نسبت به زنان (۴۲٪) داشته‌اند؛ افراد با سن ۵۱ سال و بالاتر، بیشترین فراوانی (۳۵٪) و افراد زیر ۲۰ سال، کمترین فراوانی (۱/۸٪) را دارند. افراد با تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم بیشترین فراوانی (۴۵/۳٪) را داشته‌اند و افراد بی سواد کمترین فراوانی (۲٪) را داشته‌اند. افراد با شغل آزاد، بیشترین فراوانی (۴۱/۸٪) و افراد بازنشسته کمترین فراوانی (۳/۳٪) را داشته‌اند. افراد با درآمد ۲۵۰ هزار تومان بیشترین فراوانی (۲۹/۵٪) را داشته‌اند و افراد با درآمد ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان، کمترین فراوانی (۵/۸٪) را داشته‌اند. جدول شماره (۴) آمار مربوط به متغیرهای اصلی تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳): آمارهای مرتبط با میزان مشارکت شهروندان در امور شهری

متغیر	میانگین	انحراف معیار	بیشترین	کمترین	فراوانی
رضایت	۱۷/۴۰	۳/۹۷	۲۸/۰۰	۶/۰۰	۴۰۰
سیاست	۱۳/۸۱	۳/۰۶	۲۰/۰۰	۶/۰۰	۴۰۰
اعتماد	۱۸/۲۱	۴/۸۱	۲۹/۰۰	۶/۰۰	۴۰۰
مشارکت	۵۲/۹۰	۷/۴۳	۶۹/۰۰	۲۵/۰۰	۴۰۰
عملکرد	۱۸/۸۴	۴/۵۰	۲۵/۰۰	۵/۰۰	۴۰۰

در شاخص رضایت شهروندی میانگین نمرات برابر با ۱۷/۴۰ (میانگین نظری برابر با ۱۸) و انحراف معیار برابر با ۳/۹۷ و در شاخص سیاست انگیزشی شهرداری، میانگین برابر با ۱۳/۸۱ (میانگین نظری برابر با ۱۲) و انحراف معیار ۳/۰۶ و در شاخص اعتماد اجتماعی، میانگین مساوی با ۱۸/۲۱ (میانگین نظری برابر با ۱۸) و انحراف معیار ۴/۸۱ و در مشارکت شهروندان میانگینی برابر با ۵۲/۹۰ (میانگین نظری برابر با ۴۵) و انحراف معیار برابر با ۷/۴۳ و در عملکرد شهرداری، میانگین برابر با ۱۴/۸۴ (میانگین نظری برابر با ۱۸) و

انحراف معیار برابر با $4/50$ به دست آمده است. همانگونه که ملاحظه می‌شود میانگین مشاهده شده همه متغیرها به غیر از متغیر مشارکت، با میانگین نظری نزدیک است و فقط در متغیر مشارکت است که میانگین مشاهده شده به تعداد قابل ملاحظه‌ای از میانگین مورد انتظار بیشتر است.

نتایج استنباطی

در این تحقیق فرض شد که بین رضایت شهروندان از خدمات‌رسانی شهرداری و میزان مشارکت آنها در امور شهر رابطه وجود دارد.

از آن جایی که دو متغیر رضایت شهروندان از خدمات‌رسانی و میزان مشارکت، فاصله‌ای بودند، بنابراین از ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون این فرضیه استفاده شد. نتایج یافته‌ها نشان داد که ضریب همبستگی پیرسون برابر با $0/37$ است و چون سطح معناداری کمتر از $0/05$ بود، بنابراین این ضریب با صفر تفاوت معنادار داشت و میزان ضریب بدست آمده ناشی از شانس یا خطای نمونه‌گیری نبوده و حاکی از وجود رابطه واقعی بین میزان رضایت شهروندان از خدمات‌رسانی و میزان مشارکت مردم است. مقدار ضریب همبستگی $0/37$ نشان دهنده همبستگی متوسط بین متغیر رضایت شهروندان از خدمات‌رسانی و میزان مشارکت است.

جدول شماره (۴): همبستگی رضایت شهروندان از خدمات‌رسانی شهرداری و میزان مشارکت

متغیر	شاخص آماری متغیر	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معناداری (P)
رضایت شهروندان	مشارکت شهروندان	$0/37$	$0/000$

فرض دیگر تحقیق این بود که بین سیاست‌های انگیزشی شهرداری و میزان مشارکت شهروندان در امور شهر رابطه وجود دارد. نتایج تحقیق نشان داد که ضریب همبستگی

پیرسون برابر با $0/26$ است و چون سطح معناداری کمتر از $0/05$ بود، نشان از معنادار بودن رابطه بین سیاست‌های انگیزشی شهرداری و میزان مشارکت مردم است. مقدار ضریب همبستگی $0/26$ نشان دهنده همبستگی متوسط بین متغیر سیاست‌های انگیزشی شهرداری و میزان مشارکت است. همچنین بر مبنای ضریب تعیین مشخص می‌شود که $0/06$ از واریانس و یا پراکندگی متغیر، میزان مشارکت ناشی از سیاست‌های انگیزشی شهرداری بود.

جدول شماره (۵): همبستگی سیاست‌های انگیزشی شهرداری و میزان مشارکت

متغیر	شاخص آماری متغیر	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معناداری (P)
سیاست‌های انگیزشی	مشارکت شهروندان	$0/26$	$0/000$

در سومین فرض بین اعتماد اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنها در امور شهر رابطه وجود دارد. نتایج تحقیق ضریب همبستگی پیرسون برابر با $0/41$ بوده و سطح معناداری کمتر از $0/05$ است و نشان از معنادار بودن رابطه بین اعتماد اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت شهروندان است. ضریب همبستگی $0/41$ نشان دهنده همبستگی متوسط بین متغیر اعتماد اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنان است. همچنین بر مبنای ضریب تعیین، مشخص می‌شود که $0/16$ از واریانس و یا پراکندگی متغیر، میزان مشارکت ناشی از اعتماد اجتماعی مردم بود.

جدول شماره (۶): همبستگی اعتماد اجتماعی مردم و میزان مشارکت

متغیر	شاخص آماری متغیر	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معناداری (P)
اعتماد اجتماعی	مشارکت شهروندان	$0/41$	$0/000$

نتایج جدول شماره (۸) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی اسپیرمن در متغیر سن برابر با ۰/۴۱ است و چون سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین این ضریب با صفر تفاوت معناداری دارد و از این رو ضریب بدست آمده ناشی از شانس یا خطای نمونه‌گیری نبوده و به دلیل رابطه واقعی بین متغیر سن و مشارکت شهروندان در امور شهری است. مقدار ضریب همبستگی ۰/۴۱ نشان دهنده همبستگی متوسط بین متغیر سن و میزان مشارکت است. ضریب تعیین مربوطه نیز برابر با ۰/۱۶۶ است. برای بقیه متغیرهای فردی (جنس، شغل، میزان تحصیلات و درآمد) چون سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ است نشان از معنادار نبودن رابطه بین این متغیرها و مشارکت است.

تحلیل رگرسیون

به منظور بررسی میزان تاثیر همزمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از آزمون چند رگرسیون چندگانه به روش (Enter) استفاده شد. ضریب همبستگی چندگانه (R=55) و ضریب تعیین (R²=30) به دست آمد. این موضوع بدان معنی است که واریانس مشارکت شهروندان حدود ۳۰ درصد از متغیرهای مستقل معنادار موجود در مدل تاثیر می‌پذیرد. نتایج تحلیل رگرسیون در جدول شماره (۹) نشان داده شده است.

جدول شماره (۹): آزمون تحلیل رگرسیون

P	DF	R ²	R	F	p	t	Beta		
۰/۰۰۰	۵۵۳/۳	۰/۳۰	۵۵/۰	۰/۳۰۳	۰/۶۸	۰/۴۰	۰/۰۲	رضایت شهروندان	متغیر پیش‌بین
					۰/۰۰	۳/۵۵	۰/۱۵	سیاست انگیزشی	
					۰/۰۰	۴/۳۵	۰/۲۳	اعتماد اجتماعی	
					۰/۰۰	۶/۸۷	۰/۳۳	عملکرد شهرداری	

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بدیهی است با رشد شتابان شهرها و شهرنشینی در دهه‌های اخیر حکومت‌ها به تنهایی و بدون اتکا به شهروندان قادر به اداره امور جامعه نخواهند بود. به عبارت دیگر تنها بخشی از فعالیت‌های مرتبط با زندگی شهری توسط فرآیندها و روابط رسمی تعیین می‌گردد، در حالی که بسیاری از این فعالیت‌ها در تولید، مبادلات، تصمیم‌گیری و مواردی از این دست از طریق روابط غیر رسمی صورت می‌گیرد. در چنین شرایطی عدم حضور و دخالت شهروندان در جامعه مدنی و عدم همکاری با دولت زمینه را برای تشدید مسائل و مشکلات شهری فراهم خواهد کرد؛ از این رو، در چند دهه اخیر پارادایم جدیدی از مدیریت شهری، مشارکت را محور سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های خود قرار داده است. در این پارادایم، نظام مدیریت شهری به تقویت حس اعتماد و همکاری میان مدیران شهری و شهروندان و حل مسائل و مشکلات شهری از طریق مشارکت می‌پردازد. در واقع، مشارکت در امور شهری افزون بر هویت یابی فردی و جمعی برای افراد، مبنایی برای تعامل فرآیندهای رسمی و غیر رسمی شده است.

نتایج تحقیق نشان داد که میانگین میزان مشارکت در امور شهرکرد (۵۳) در شهرکرد هرچند از میانگین نظری (۴۵) بیشتر است، ولی با این حال هنوز نزدیک به میانگین است و نتایج مربوط به میزان مشارکت گروه‌های سنی نشان داد که افراد با سن ۵۱ سال و بالاتر بیشترین فراوانی (۳۵ درصد) و افراد زیر ۲۰ سال، کمترین فراوانی (۱/۸ درصد) را در میزان مشارکت اجتماعی دارند. با توجه به جوان بودن جامعه ایران این مسأله جای تامل جدی دارد و مسؤولان باید در این زمینه چاره‌اندیشی کنند.

بسیاری از اندیشمندان مهمترین خصیصه جوامع مدرن را پیوند گسست‌ناپذیر آئین شهروندی و مشارکت‌های مدنی در یک مرکز سیاسی-جغرافیایی به نام شهر داشته‌اند. بدیهی است عواملی وجود دارند که امکان مشارکت را خدشه دار ساخته و تمایل به دخالت در امور را محدود می‌نمایند. مطابق با نظر پارسونز ویژگی‌های فردی بویژه نظام

شخصیت مشارکت کنندگان از جمله این عوامل است. همچنین در نظریه‌های دورکیم، زیمل و وبر، تقویت مشارکت نیازمند آگاهی، جلب اعتماد، احساس رضایت و تمایل به همکاری با نهادهای شهری و برقراری روابط محکم میان شهروندان و مدیران شهری است. از این رو توصیه می‌شود که سازمان‌ها و نهادهای ذیربط بویژه شهرداری ابتدا به آموزش وظایف شهرداری و مردم، جلب اعتماد و افزایش تجربه همکاری با نهادهای شهری اهتمام ورزند تا در کنار عملکرد بهتر، موجبات رضایت شهروندان را فراهم آورند، چرا که مطابق یافته‌های تحقیقات پیشین، چنانچه مردم از آگاهی کافی برخوردار نباشند و از ساز و کارها اطلاعی نداشته باشند، نسبت به نهادهای مرتبط با امور شهری اعتماد و رضایت نداشته و به تبع آن‌ها مشارکتی در کار نخواهند بود. این مساله بویژه در نظریه مبادله هومنز و اعتماد اجتماعی پانام آمده است. تجارب برخی از کشورها نشان می‌دهد که موفقیت بسیاری از برنامه‌های توسعه شهری مستلزم درگیری و مشارکت گسترده و پایداری شهروندان، مشارکتی همراه با آگاهی بوده است.

از آنجایی که شهردار از آمادگی مناسبی برای جلب مشارکت شهروندان برخوردار نیست، بنابراین پیشنهاد می‌شود، سازمان شهرداری در خصوص پاداش دهی و تشویق شهروندان توجه ویژه نماید و علاوه بر آن، در حوزه‌های مختلف فعالیت شهرداری به طور تخصصی چگونگی جلب مشارکت شهروندان، چرایی و ضرورت جلب این مشارکت به مردم آموزش‌های لازم داده شود.

چنانکه می‌دانیم یکی از عوامل پیشرفت و توسعه در یک جامعه مشارکت و همکاری همه‌جانبه مردم است، بنابراین دولت باید با جلب حمایت مردمی و ایجاد اعتماد و اطمینان نسبت به برنامه‌های پیش بینی شده می‌تواند مشارکت و همراهی مردم را به همراه داشته باشد و برای تحقق این امر باید بیشتر به عملکرد نهادهای مردمی توجه داشته باشد تا از مسیر خود منحرف نشوند و بتواند گفته‌های خود را به مردم جامعه عمل بپوشاند تا اعتماد مردم را به خود جلب کنند و در آنان احساس رضایتمندی و خشنودی را تقویت کنند.

مطابق یافته‌های پژوهش وضعیت مشارکت کل شهروندان تا حدودی در حد متوسط رو به پایین است و این امر ناشی از وضعیت سطح پایین مشارکت عینی شهروندان در زندگی عامیانه است، بنابراین مفهوم مشارکت اجتماعی به صورت صحیح، عمیق و غیر دستوری در افراد نهادینه نشده است، بنابراین ضرورت ایجاد می‌کند که شهروندان برای مشارکت بیشتر در شهر آموزش‌های عمیق و عملی ببینند.

منابع:

- اصغر پور ماسوله، احمدرضا. (۱۳۸۶). **راهکارهای افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان**، طرح پژوهش مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد.
- باستانی، سوسن و صالحی هیکویی، مریم. (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی، شبکه و جنسیت و بررسی ویژگی‌های ساختی، تعامل و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران»، نامه علوم اجتماعی شماره ۳۰، صص ۹۵-۶۳.
- رضایی، عبدالعلی. (۱۳۷۵). «مشارکت اجتماعی هدف یا ابزار توسعه»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۱۰.
- ساجدی، سعیده. (۱۳۹۱). **پیامدهای اجتماعی و نقش شورایاری محله در تحقق مشارکت مردمی** (مطالعه موردی محله دروازه شمیران)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.
- ساروخانی، باقر و امیر پناهی، محمد. (۱۳۸۵). «ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره چهارم، شماره سوم، صص ۳۱-۶۰.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۴). «شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی»، فصلنامه حقوق، تأمین اجتماعی، انتشارات علمی - فرهنگی سال اول شماره ۱.
- شادی طلب، ژاله. (۱۳۸۱). «مشارکت مردم در مدیریت تهران»، ماهنامه جهاد، تهران سال ۱۳، شماره ۱۶۲.

- طهماسبی، سوسن. (۱۳۸۰). «الگوهای مشارکت اجتماعی در ایران»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره پنجم.
- علوی تبار، علیرضا. (۱۳۷۹). راهکارهای افزایش مشارکت مردمی در اداره امور شهر، (جلد سوم) تهران سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.
- غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن. (۱۳۸۵). جامعه شناسی مشارکت، تهران، نزدیک.
- عاملی، سعید. (۱۳۸۰). «تعامل جهانی شدن، شهروند و دین»، نامه علوم اجتماعی شماره ۱۸.
- گای، درام. (۱۹۹۰). توسعه مشارکتی، چشم اندازهایی از تجربه‌های توده‌های روستایی، ترجمه عصمت قائم مقامی.
- وحید، فریدون و نیازی، محسن. (۱۳۸۳). «تأملی در مورد رابطه بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۳، صص ۱۱۷-۱۴۵.
- یزدان پناه، لیلا. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان ۱۸ سال به بالای مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، پایان نامه دکتری دانشگاه علامه طباطبایی.
- Baum, H.S. (2004) citizen participation international encyclopedia of the social behavioral sciences, pp1840-1846.
- Docjerty, I, Goodlad, R & Paddison R. (2001). Civic culture community and citizen participation in contrasting neighbourhoods, urban studies, vol.38. pp2225-2250.
- Goulet denis (1995) participation in development ethics a guide to theory and practice. london. ned book ltd.
- Ghai; D. and Westendorff; D. (eds) 1994. monitoring social progress in the 1990: data constraints; concerns and priorities. Avebury UNRISD.
- Field, john. (2003). Social Capital, London, Routledge.
- Hall antony and Jamesmidgloy (1988) community participation and development policy: a sociological perspective. in-development policies sociological perspective.
- potter D. and Thomas A. (1992) development capitalism and state. OXFORD University press.
- Ritzer, George. (2011). Sociological Theory. 8 Editions. Newyork: McGrow Hill.

- shepherd and rew(1998) sustainable rural development London macmill.
- World bank 1994. The word bank and participation. operations policy department. Washington DC: word bank.

